

گزارش

از سکوت آنتالیا تارقص سامبا و غرش سه‌شیرها مسیرهای متفاوت

عقر به‌های ساعت با سرعتی بی‌رحمانه به جلومی تازند و کمتر از ۲۰ روز دیگر، سوت آغاز بزرگ‌ترین آوردگاه فوتبالی جهان، یعنی جام‌جهانی ۲۰۲۶ به صدادر خواهد آمد. مسابقاتی که این بار با شور و حرارتی مضاعف در قاره آمریکا برگزار می‌شود و چشم‌میلیاردها انسان را به مستطیل‌های سبز خیره خواهد کرد. در این میان، تیم ملی فوتبال ایران در گروه A این رقابت‌ها در کنار نام‌های بزرگی چون بلژیک و مصر وهم‌چنین تیم‌سرخ‌تنه‌نیوزیلند، یکی از حساس‌ترین دوران تاریخ خود را تجربه می‌کند. اما آنچه در این روزهای پرالتهاب پیش از شروع جام‌جهانی توجه هر ناظر و تحلیل‌گر فوتبالی را به خود جلب کرده، تفاوت فاحش و حیرت‌انگیز مسیر آماده‌سازی یوزهای ایرانی در مقایسه بارقبای هم‌گروه خوداست؛ مسیری که گویی از دو دنیای کاملاً متفاوت می‌گذرد و قصه تدارک‌ه‌ر تیم، رویایتی از برنامه‌ریزی‌های کاملاً متمایزاست.

داستان آماده‌سازی تیم ملی ایران از سواحل آنتالیای ترکیه آغاز می‌شود. شاگردان امیرقلعه‌نویی در حالی اردوگاه خود را در این شهر برپا کرده‌اند که از امروز، با اضافه شدن تمامی بازیکنان دعوت‌شده، تمرینات شکل جدی‌تری به خود خواهد گرفت. اما معماری اصلی، دیدارهای تدارکاتی است. پیش از پرواز به ترکیه، زم‌زمه‌هایی مبنی بر برگزاری چهار دیدار دوستانه به گوش می‌رسید، اما واقعیت روی کاغذ شکل دیگری به خود گرفت. خبری از تقابل با تیم‌های باشگاهی یا ملی نامدار نیست. در برنامه تیم ملی، رویارویی با تیم‌های ملی آفریقای گنجانده شده‌است؛ تقابل با کامبیا هشتم خرداد و دیدار با ملی در تاریخ چهاردهم خرداد. پس از این دو دیدار، کاروان ایران راهی مرکزیک خواهد شد تاد آخرین ایستگاه پیش از شروع مسابقات، به مصاف پورتوریکو برود. تقابل با تیم‌هایی که حتی در رنکنینگ فیفا جایگاهی سهم‌رقی دارند، در حالی که هواداران سال‌هاست در حسرت یک بازی دوستانه بزرگ می‌سوزند، تصویری غریب از آماده‌سازی تیمی است که سوداهاست که موفقیت در سردارد.



در نقطه مقابل، نیوزیلند، نخستین حریف ایران در تاریخ ۲۶خرداد، داستانی کاملاً متفاوت را برای آماده‌سازی خود روایت می‌کند. نماینده اقیانوسیه که به خوبی می‌داند برای موفقیت باید تن خود را به تنه بزرگان بساید، برنامه‌ای جسورانه تدارک دیده‌است. آنها در تاریخ ۱۲خرداد با یاران دو کتز نازون در تیم ملی هائیتی در خاک آمریکا روبرو می‌شوند و پس از آن در تاریخ هفدهم صفا‌آرایی یعنی تاریخ ۱۷خرداد، دوستانه اصلی فتح‌جام‌جهانی، یعنی تیم ملی انگلیس را تجربه خواهند کرد. در حالی که در ماه‌های گذشته با رها و عده تقابل با تیم‌های مطرح برای تیم ملی ایران داده شده بود و هرگز عملی نشده، این نیوزیلنداست که پیش از نبرد با یوزها، با غرش سه‌شیرها دست و پنجه نرم می‌کند تا بالاترین سطح آمادگی روانی و تاکتیکی به میدان بیاید.

بازی دوم ایران در روز ۳۱خردادماه، نبردی نفس‌گیر با بلژیک خواهد بود. تیمی که اکنون با هدایت رودی گارسیا خیز بلندی برای از خشنود در جام برداشته‌است. برنامه بلژیکی‌ها نشان از یک تدارک تمام‌عیار دارد. آنها در ۱۲خردادماه راهی کرواسی می‌شوند تا در دیداری مهیج، برابر لوم‌کاموویچ و یارانش به میدان بروند. پس از این تقابل، شیاطین سرخ در ۱۶خردادماه در بروکسل، میزبان تونس خواهند بود و سپس راهی آمریکا می‌شوند. نکته‌تامل‌برانگیز اینجاست که پیش‌تر صحبت‌هایی از احتمال تقابل ایران با تونس برای شبیه‌سازی بازی با مصر مطرح بود، اما در نهایت این بلژیک بود که این حریف را برای خود رزین کرد!

آخرین حریف ایران، تیم ملی مصر (بازی در ۶تیرماه) است؛ تیمی که با تکانچه در خشنش محمدصلاح، رویایی بزرگی در سردارد. مصری‌ها برنامه‌ای خیره‌کننده چیده‌اند. آن‌ها در آخرخردادماه در خانه به مصاف تیم ملی روسیه می‌روند تا با هوادارانشان خداحافظی کنند. اماوح داستان مصر پس از سفر به آمریکا قم می‌جورد؛ جایی که پیش از دول، رسمی با بلژیک، در تاریخ ۱۶خردادماه به مصاف ابرقدرت فوتبال جهان، یعنی برزیل خواهند رفت. تقابل با نیمار و ستارگان سلساوا، محکمی بی‌نظیر برای مصری‌هاست.

با نگاهی به این نقشه‌راه، تفاوت‌های فراق می‌کشند. در یک‌سوی میدان، تیم ملی ایران بارقبایی کیم‌نام‌پوشان آماده می‌شود و در سوی دیگر، رقبای هم‌گروه ایران باصفا‌آرایی در برابر غول‌هایی همچون انگلیس، کرواسی و برزیل، زری‌ها از جنس فولاد می‌کشند. جام‌جهانی عرصه‌شگفتی‌هاست و فوتبال همواره نشان داده که به معادلات روی کاغذ وفادار نیست، اما کتمان نمی‌کند که در مسیری آماده‌سازی یوزهای ایرانی در مقایسه باحریفان تادندان مسلح، مسیری متفاوت و نگران‌کننده‌است. باید منتظر ماند و دید آیا غیرت بازیکنان ایران می‌تواند جای خالی این تدارکات وسیع را پرکند؟

با ایلنا همراه شوید

خبرگزاری کار ایران «ایلنا»

صاحب‌امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیرمسئول: مسعود حیدری

زیرنظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

نوعی ایرانی

در هفته خداحافظی‌ها، مو صلاح هم برای همیشه از لیورپول رفت

پایان پادشاه

آرپاطری

در هفته‌ای که تیرک یک تمام‌روزنامه‌های ورزشی جهان به پایان امپراتوری پپ گواردیولااختصاص داشت

در روزهایی که مادرید برای جنگجوی وفادار، دنی کارواخال، اشک می‌ریخت و کاتالونیا با بغض باماشین گلزنی‌اش، رابرت لواندوفسکی وداع می‌کرد، یک‌زلزله خاموش‌ماویرانگر در شمال غربی انگلستان رخ داد. در میان هیاهوی این خداحافظی‌های پرسروصدا، بغضی سنگین‌تر گلومی‌مرسی‌سایدرامی‌فشرودمحمدصلاح، فرعون خندان بندر، کفش‌هایش را از روی چمن‌های مقدس انفیلد برداشت و برای همیشه با پیراهن سرخ لیورپول وداع کرد. اینس تنهاجاییدیک بازیکن از یک باشگاه نبود؛ این پایان یک دوران، سقوطآخرین ستون از یک امپراتوری رویایی و پایان پادشاهی بود که تاجش رانه برس، که در قلب میلیون‌ها هوادار لیورپول گذاشته‌بود.

گاهی بزرگ‌ترین اتفاقات در سایه رخ می‌دهند. در حالی که دوربین‌ها روی اشک‌های پپ‌زوم کرده‌بودند، در گوشه‌ای دیگر از جزیره، مردی یا موهایی فر و لیخنیدی شدن. آنها می‌پشتند که این روز بالاخره فرامی‌رسد، که حالا جای خود را به چشمانی خیس داده بود، برای آخرین بار به تابلوی معروف «This is Anfield» (اینجا انفیلد است) دست می‌کشید. هواداران لیورپول در این هفته حس عجیبی داشتند؛ حس‌ی شبیه به یتیم شدن. آنها می‌دانستند که این روز بالاخره فرامی‌رسد، اما هیچکس برای لحظه‌ای شماره ۱۱ افسانه‌ای برای آخرین بار از تونل روز شگاه خارج نشده، اما نبود. جدایی صلاح در میان اخبار دیگر، شاید برای رسانه‌های بی‌طرف فقط خبر خوب بود، اما برای سسکوهای جایگاه «کاپ» (The Kop)، این به معنای پایان زینت‌بارین فصل از تاریخ مدرن باشگاه‌ها بود.

برای درک عمق این آندوه، باید به تابستان ۲۰۱۷ سفر کنیم. زمانی که لیورپول بازیکنی را از زم به خدمت گرفت که پیش‌تر در جلسی‌طعم‌تلخ‌ناکلی در لیگ برتر را چشیده بود. بسیاری از کارشناسان باشک و تردید به این انتقال نگاه می‌کردند؛ آیا او برای فیزیک خشن لیگ برتر ساخته شده‌است؟ این‌سوالی بود که مدام تکرار می‌شد. اما محمدصلاح نیاز به زمان برای پاسخ دادن نداشت، او از همان بازی‌های ابتدایی، مانند طوفانی از شن‌های صحرای مصر، لیگ برتر را درزورید.

صلاح در همان فصل اول رکورد گلزنی در یک فصل ۳۸بازی به لیگ برتر را شکست. او با سرعت سرسام‌آور، تکنیک ناب‌وآن‌پای‌چپ‌جادویی‌اش، مدافعان حریف را یکی پس از دیگری ویران می‌کرد. لودایگران جوان خام چستی نبود؛ اما حالا به هیولایی تبدیل شده بود که پورکن کلوب او را به عنوان نوک پیکان تهاجمی تیمش تراشیده بود. از همان ماه‌های اول، سرود «Egyptian King»

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseirani.ir

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

شماره ۲۱۸۹/ سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۵ / ۹ ذوالحجه ۱۴۴۷ / ۲۶ می ۲۰۲۶



با سجده‌های شکرش پس از هر گل، تصویر جدیدی از اسلام در بریتانیا و اروپا ارائه داد. او نماینده صلح، تلاش و تواضع بود. بازیکنی که هیچ‌گاه در گیر حواشی خارج از زمین نشد، همیشه با لیخندها هواداران را بخورد کرد و بخش عظیمی از ثروتش را صرف ساخت مدرسه، بیمارستان و زیرساخت در زادگاهش، روستای نگرپج در مصر کرد. او برای کودکان عرب و آفریقایی، اثبات‌ات حقیقت بود که رویاهای می‌توانند به حقیقت بیبوندند، حتی اگر از گرد و خاک کوچه‌ه پس کوچه‌های یک روستای فقیرنشین آغاز شوند.

و حالا به نقطه پایان رسیدیم. آخرین روز، آخرین بازی، سسکوهای انفیلد غرق در رنگ قرمز، بهر‌هایی با تصویر چهره او در دست و چشمانی که توان پنهان کردن اشک‌ها را ندارند. وقتی تابلوی تعویض بالا رفت و شماره ۱۱ برای آخرین بار به رنگ قرمز درآمد، زمان در استادایوم متوقف شد. همه ایستادند. تشویق‌هایی امان بود، اما سکوتی غریب در دل‌ها موج می‌زد. صلاح آرام به سمت خط طولی حرکت کرد. هر قدمش، مرول و صدها خاطره بود. صدای سوت‌های کرکننده پس از گل‌هایش،

هوادار لیورپولی گل‌اوبه‌منجسرت‌یونایتددر دقایق پایانی را فراموش نمی‌کنند؛ زمانی که ایلسون بکر توپ را برای او فرستاد، صلاح با سرعت نور حرکت کرد، توپ را از زمین‌های دخت‌آ عبور داد و سپس بیراهنش را در آورد و در مقابل جایگاه کاپ با صلابت ایستاد. در آن لحظه، همه می‌دانستند که قهرمانی قطعی است. او پیام‌آور پایان یک‌درد ۳۰ساله بود.

فوتبال یک بازی تیمی است و شکوه صلاح با دو هم‌راه همیشگی‌اش گر خورده بود؛ در پرفیورمیتوس سایدوهم‌راه آنها محوف‌ترین مثلث‌هجومی اروپا را تشکیل داده‌بودند. هر کدام مکمل دیگری بودند؛ فیر مینو با فداکاری‌اش فضا می‌ساخت، مانه با قدرت بدنی و سرعتش ویران می‌کرد و صلاح قاتل بی‌رحم درون محوطه جرمه بود. ایتما مانه رفت، سپس نوبت به پای فیر مینو با آن لیخنندرخشانش می‌رسد تا انفیلد را ترک کند. با رفتن آنها، صلاح به عنوان آخرین بازمانده از آن خط حمله افسانه‌ای باقی‌ماند. او بار تیم را به تنهایی بر دوش کشید و به جوان‌ترها راه و رسم بردن را آموخت. اما حالا با رفتن صلاح، آن مثلث طلایی به طور کامل به تاریخ پیوسته‌است. لیورپولی‌ها با رفتن او، نه فقط با یک بازیکن، بلکه با رویایی‌ترین دوران زندگی فوتبالی خود وداع کردند.

تاثیر محمد صلاح تنها به گلزنی محدود نمی‌شد. او یک پدیده فرهنگی بود. در شش‌پری یا طبقه کارگر و تاریخچه‌ای پسر از فرزند و نسبش اجتماعی، یک مرد مسلمان اهل خاورمیانه به نماد اتحاد تبدیل شد. شمار معروف هواداران لیورپول که می‌خواندند: «اگر چند گل دیگر بزیند، من هم مسلمان می‌شوم و در مسجد می‌نشینم» (I’ll be Muslim too)، نشان‌دهنده تاثیر عمیق او در مبارزه با تعصبات و نزدیک کردن فرهنگ‌ها بود. صلاح

صحبت از صلاح بدون اشاره به جزئیات فنی و هنری بازی‌اش، بی‌انصافی است. پای چپ محمد صلاح در لیورپول، صر فاک عضواً از بدن یک ورزشکار نبود؛ آن پای چپ، قلم‌مویی بود که زیباترین تابلوهای نقاشی مرسی‌ساید را رسم می‌کرد

بوی چمن خیس انفیلد در شب‌های بارانی، در آغوش کشیدن‌های طولانی با یورگن کلوپ در سال‌های گذشته و فریادهای شادی هواداران، او خم‌شد، چمن را لمس کرد و برای آخرین بار پیراهن قرمزش را به صورتش مالید تا شاید اشک‌هایش در میان تار و پود آن پنهان شود. او می‌رود، اما آیا واقعا انفیلد بدون او همان انفیلد همیشگی خواهد بود؟ جای خالی او در بال راست خط حمله، قهرانه‌ای بزرگ در قلب لیورپول است که شاید تا سال‌ها هیچ بازیکنی نتواند آن را پر کند. فرود با خط شیدرودرودخانه مرسی، تبادل‌شهر بیدار خواهد شد، اما پادشاه دیگر بر تخت خود نخواهد بود.

در دنیای بی‌رحم فوتبال مدرن که وفاداری واژه‌ای غریب شده و بازیکنان یا اولین پیشنده‌های نجومی رنگ عوض می‌کنند، داستان محمد صلاح و لیورپول یک عاشقانه‌خالص بود. او به باشگاهی آمد که نیاز به یک قهرمان داشت و باشگاهی‌اورا پذیرفت که به‌اوفرصت‌داد تا به بهترین نسخه خودش تبدیل شود. مو صلاح رفت، در سکوتی که در میان هیاهوی خداحافظی‌های پپ، لواندوفسکی و کارواخال گم‌شد. اما برای آنها کمی‌داند، این بزرگ‌ترین و تلخ‌ترین وداع سال بود. حالا هر بار که تیمی به انفیلد بیاید و نگاه‌مدافعان حریف به سمت راست زمین بیفتد، شبح مردی را خواهند دید که با موهایی فرو زینت‌شده و بازکنان یا اولین پیشنده‌های نجومی نام‌های بزرگی را به خود دیده‌است، اما در کتاب قطور افتخارات لیورپول، فصلی که با قلم طلایی محمد صلاح نوشته‌شد، برای همیشه درخشان باقی خواهد ماند.

خداحافظ طوفان، خداحافظ پادشاه مصری، به هر کجا که بروی، عین سرود کاپ بدرقه‌راحت خواهد بود؛ تو هر که تنه‌ها فراقدم نخواستی زد (You’ll Never Walk Alone)



دروازبان رایک، یک ریسک بزرگ و غیرمنطقی تبدیل می‌کند. تیم ملی به‌بازیکنان میدان دیده‌در سایر خطوط نیاز بیشتری دارد.

در میان این هیاهو و استرس، تنها یک نفر است که با خیالی آسوده دستکش‌هایش را می‌پوشد؛ علیرضا بیرانوند. پس از درخشش در جام‌جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲، نام بیرانوند با قفس تیم ملی در تورنمنت‌های بزرگ‌گروه خورده‌است. او نه تنها تالیپت خود را رزورزده می‌بیند، بلکه بدون شک دستکش‌های شماره یک را نیز در جام‌جهانی ۲۰۲۶ در دست خواهد کرد؛ اما داستان برای سه‌نفر دیگر، کاملاً متفاوت است. حسین حسینی با ۱۱ گلین شبت، پادشاه بسته‌نگه داشتن دروازه در این رقابت سه‌گانه‌است. پیام‌نیزام‌مندبار یافت‌تنها ۱۱ گل، محکم‌تک‌ترین آمار را از نظر میانگین گل خورده به‌نام خود ثبت کرده‌است. محمد خلیفه‌هم با وجود بازی در تیمی بحرانی‌تر، نسبت به دو مدعی دیگر، توانسته‌است آمار فردی قابل‌توجهی از خود به‌جای بگذارد.

شاید روی کاغذ، آمار محمد خلیفه کمی ضعیف‌تر از دو قریب‌نامدارش باشد، اما داستان در زمین

میز مسؤلان مازنی نشین باشد. در این میان، امیرمهدی علوی، استخگوی فدراسیون فوتبال، برده‌از یک ایده استراتژیک و جدید به AFC برداشته‌است تا شاید فرشته‌نجات باشگاه‌ها شود. «ما به AFC پیشنهاد جدیدی ارائه دادیم؛ معرفی تیم‌هایی که روی کاغذشانس‌های اصلی کسب سهمیه‌تا پایان فصل جاری را دارن، ایده این است که نام این مدعیان رد‌شود و پس از برگزاری ادامه لیگ ۲۵، سرانجام سه‌نماینده‌نهایی ایران مشخص شوند. با توجه به محدودیت‌های موجود در مسیر صدور حرفه‌ای، بیعداست‌بیش از ۳تیم‌ای مجوز دریافت‌کنند. اما آخرین خبرهای واصله را پشت پرده فدراسیون، بی‌نامیدی به نظر می‌رسد. حالا بازی از آخرین اخبار را کنار هم بگذاریم؛ اگر این حکم صادر شود، سه امتیاز به حساب گل‌گهر وار، یک‌گردد، دو از سوی دیگر، مجوز حرفه‌ای سپاهان در کمیته‌استیناف رد‌شود، گل‌گهر سیرجان جلوتر از چادرملو و پرسپولیس، به عنوان نماینده ایرانی‌ها در مسابقات لیگ قهرمانان آسیا ۲ خواهد شد. این یعنی یک تاریخ‌ساز برای وبی سابقه؛ صعود به آسیا برای اولین بار در تاریخ باشگاه، بدون ریختن قطره‌ای عرق روی چمن!

این سه‌گانه جذاب، یک روی تاریک، تلخ و بی‌رحمانه‌ها دارد؛ رویی که متعلق به سرخ‌پوشان پایتخت است. با کسر امتیاز احتمالی از چادرملو، آخرین اخبار نشان می‌دهد که تبه پرسپولیس در جدول ارتقا می‌یابد و آنها به‌مقام پنجم صعود می‌کنند. اینجاست که طغز تلخ فوتبال ایران خود را نشان می‌دهد؛ این صعود کاغذی هیچ دردی از سرخ‌پوشان دوانخواهد کرد؛ با توجه به اینکه گل‌گهر مجوز حرفه‌ای خود را دریافت کرده‌و با حکم انضباطی امتیازاتش بالاتر می‌رود، سهمیه آسیایی به‌مستقیم‌ها سیرجان سفر خواهد کرد؛ پرسپولیس در جایگاه پنجم عملا دستش از سهمیه کوتاه می‌ماند.

هفته پیش و ساختمان سنول میزبان یکی از سرنوست‌سازترین و تاریخی‌ترین جلسات هیات‌رئسه خود خواهد بود؛ جلسه‌ای که در آن، بدون شلیک حتی یک توپ به سمت دروازه‌ها، سرنوشته میلیاردها تومان بودجه، حیات یک‌ساله بازیکنان و از همه مهم‌تر، قلب میلیون‌ها هوادار عاشق فوتبال روشن خواهد شد. باید منتظر ماند و دید آیا فادراسیون نشینان می‌توانند راه‌فراق را پیدا کنند، یا اینکه تاریخ به بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن، حکم به حذف پرسپولیس و صعود تاریخی گل‌گهر خواهد داد!